

مجله علوم تربیتی و روانشناسی  
 دانشگاه سیستان و بلوچستان  
 سال دوم - شهریور ماه ۱۳۸۴

## بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر انتظارات اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: شهر شیراز)

دکتر محمد تقی ایمان\* و علی رضا اسلام\*\*

### چکیده

هدف این تحقیق عبارت از بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر انتظارات اجتماعی جوانان شهر شیراز است. فرض محوری تحقیق مدعی است که انتظارات اجتماعی جوانان، تحت تأثیر عوامل ذهنی - عینی قرار دارد و با تغییر این عوامل، شدت و جهت آن ها تغییر می پذیرد. برای انجام این پژوهش، ابتدا با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه، ۳۸۵ نفر از جوانان ۱۸-۳۵ ساله ساکن شهر شیراز با استفاده از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای مورد مصاحبه قرار گرفتند. پس از گردآوری داده ها، اطلاعات به دست آمده در نرم افزار آماری SPSS توصیف و تحلیل شد. متغیرهای مستقل این تحقیق عبارت اند از: سن، جنس، محل تولد، شیوه جامعه پذیری در خانواده، میزان تحصیلات جوان، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، میزان درآمد خانواده، مرتبه شغلی پدر، و مرتبه شغلی مادر. تأثیر متغیرهای مستقل فوق بر انتظارات اجتماعی جوانان سنجیده شد و نتایج نشان می دهد که اغلب متغیرها رابطه معنی داری با متغیر وابسته دارند و انتظارات اجتماعی بسیاری از آنان منفی (بدبینانه) است.

**واژه های کلیدی:** جوانان ، انتظارات اجتماعی، مسائل اجتماعی



\*-دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه شیراز

\*\* - دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه شیراز

## • مقدمه

یکی از نکات اساسی و بسیار مهم در مطالعات مربوط به «مسائل جوانان» توجه و عنایت به «انتظارات اجتماعی»<sup>۱</sup> آنان است؛ یعنی از موضع جوانان به مسائل آنان بنگریم. در واقع، انتظارات اجتماعی، مقوله ای اجتماعی است که تحت تأثیر متغیرهای جامعه شناختی قرار دارد و از آن ها متأثر می شود. از نظر جامعه شناسی، «هر پایگاه اجتماعی با انتظار اجتماعی خاصی پیوسته است، آن چنانکه عدم ایفای نقش های منتسب بدان پایگاه، موجبات عدم پاسخ به انتظار جامعه و بالطبع واکنش هایی چون تعجب و ... را فراهم می کند» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۰۴). عواملی نظیر رسانه های همگانی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سطح تحصیلات، آموزش و ... بر انتظارات اجتماعی تأثیر می گذارند و آن را شکل می دهند.

بنابراین، شناخت جوانان و مسائل مربوط به آن ها، بدون شناخت انتظارات اجتماعی آنان و عوامل مؤثر بر آن، شناختی ناقص و تک بعدی خواهد بود. برای دستیابی به شناختی جامع و دقیق از جوانان، باید از دو زاویه متفاوت به آنها با بنگریم:

۱- «انتظارات اجتماعی» جوانان را اصل قرار داده و رفع مسائل آنان را منوط به برنامه ریزی بر اساس این انتظارات بدانیم.

۲- «آرمان ها و اهداف» خودمان را اصل قرار داده و راه حل را نه در ارائه امکانات، رفع تنگناها و برنامه ریزی بر اساس انتظارات جوانان، بلکه در ایجاد هویت واحد و مطلوب خویش برای آنان خلاصه نماییم (کمالی، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

غالب تحقیقاتی که در ایران درباره جوانان انجام شده، با توجه به زاویه دوم بوده است. این امر موجب شده که تمامی برنامه های طراحی شده برای جوانان، از بالا و نامتناسب با واقعیت اعمال گردند. به منظور ارائه راهبردها و برنامه های مؤثر برای جوانان، باید هر دو زاویه را مورد ملاحظه قرار داد، چرا که اولی، از دیدگاه خود جوانان به مسایل آنان می پردازد و موجب می شود که دریابیم آنان خود چه می خواهند و دومی به الگودهی و جامعه پذیرکردن جوانان از دیدگاه کارشناسان و به طور کلی نخبگان جامعه نظر دارد و موجب می شود به جوانان نشان دهیم که جامعه از آنان چه می خواهد. از رابطه متقابل بین انتظارات جوانان از

<sup>1</sup> -Social Expectations

جامعه و انتظارات جامعه از جوانان، دیدگاه کامل تر و دقیق تری حاصل می شود که هم اکنون در جامعه ما به شدت مورد نیاز است. تحقیق حاضر، به منظور پر کردن این خلأ، از زاویه دوم به مسأله جوانان پرداخته است.

با پدیدار شدن دوران مدرن و تغییرات اجتماعی - اقتصادی حاصل از آن، مسأله جوانان نیز تبدیل به یک «مشکل اجتماعی» می شود: سن اشتغال و ازدواج به تأخیر می افتد؛ وابستگی اقتصادی جوانان به خانواده بیشتر و طولانی تر می شود؛ آموزش بلند مدت که اینک به دست نهادهایی خارج از خانواده سپرده شده کنترل خانواده بر جوانان را در امر تربیت و جامعه پذیری کاهش می دهد؛ شکاف بین نسل ها پدیدار می شود؛ مسأله هویت جوانان مطرح می گردد و انبوهی مسائل دیگر که خاص جوامع مدرن و نیمه مدرن است پدید می آیند (نیومن، ۱۹۹۹: ۲۹۹). در این میان، انتظارات جوانان از جامعه و سایر نهادهای اجتماعی تغییر یافته و رکن مهمی در شناخت خواسته ها و مسائل آنان محسوب می گردد.

انتظارات اجتماعی را می توان «عقاید» افراد جامعه درباره آینده دانست (اتینگن و مایر، ۲۰۰۲: ۲-۳). در این تحقیق، مراد از انتظارات اجتماعی، عقاید افراد است نسبت به وقایع و رویدادهای آینده و این آینده نه آینده ای بسیار نزدیک و نه آینده ای بسیار دور است بلکه آینده ای است قریب الوقوع که فرد توانایی پیش بینی آن را دارد. بر این اساس، عقاید همان «قضاوت های انتظاری»<sup>۱</sup> است که احتمال وقوع رویدادها را در آینده قابل پیش بینی برآورد می کند.

بطور کلی، جهت گیری انتظارات اجتماعی در هر فرد می تواند سه گونه باشد: ۱- انتظارات مثبت ۲- انتظارات خنثی (متوسط) و ۳- انتظارات منفی. نمره ای که هر فرد در سنجش انتظارات اجتماعی خود می گیرد در مجموع وی را در یکی از این سه مقوله قرار می دهد. انتظارات مثبت، معادل «تفکر خوشبینانه به آینده» است و این بدان معنی است که فرد، آینده مورد نظر را مثبت یا خوشبینانه ارزیابی می کند. «انتظارات منفی» را نیز می توان معادل «تفکر بدبینانه به آینده» دانست و برخلاف انتظارات مثبت، فرد، آینده مورد نظر را منفی یا بدبینانه ارزیابی می کند. «بنابراین، قضاوت های انتظاری مثبت، عقایدی است در این باب که یک

<sup>1</sup> -Expectancy Judgment

امر(واقعه) مطلوب، احتمالاً در آینده رخ خواهد داد»(همان: ۳) و قضاوت های انتظاری منفی، عقایدی است در این باب که یک امر(واقعه) نامطلوب، احتمالاً در آینده رخ می دهد. از سوی دیگر، به منظور تکمیل تعریف فوق می توان گفت که انتظارات اجتماعی مثبت، قضاوت فرد است درباره احتمال وقوع و/یا عدم وقوع امور و وقایع مثبت و/یا منفی در آینده قابل پیش بینی و انتظارات اجتماعی منفی نیز قضاوت فرد است درباره احتمال وقوع و/یا عدم وقوع امور و وقایع منفی و/یا مثبت در آینده قابل پیش بینی. «انتظارات خنثی»(متوسط) نیز در حدی میان این دو طیف قرار می گیرد.

انتظارات و اقدام برای عمل، با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. انتظارات بالا از موفقیت، منجر به اقدام شدید و اقدام شدید نیز به نوبه خود منجر به انتظارات بالا از موفقیت می گردد. بنابراین، انتظارات اجتماعی متأثر از تجارب گذشته اند و گذشته اقدام شخص را نشان می دهند. مشاهده اقدامات دیگران، دریافت پیام ها و علائم ترغیب آمیز از افراد مورد احترام و میزان برانگیختگی تجربه شده در جریان عمل نیز بر انتظارات اجتماعی مؤثر واقع می شوند(همان: ۲).  
به منظور عملیاتی کردن انتظارات اجتماعی، آن را شاخص بندی نمودیم. این شاخص ها عبارت اند از: ۱- انتظارات فرهنگی، ۲- انتظارات اقتصادی و ۳- انتظارات امنیتی.

مراد از انتظارات فرهنگی، انتظاراتی است که جوانان از مدرسه، دانشگاه و سایر نهادهای فرهنگی و آموزشی دارند. منظور از انتظارات اقتصادی، انتظاراتی است که جوانان از آینده اقتصادی خود مانند شغل، درآمد و امکانات رفاهی دارند. امکانات رفاهی در این تحقیق، شامل امکاناتی نیز می گردد که جوان جهت تحقق خواسته ها و استعدادهایش بدان نیازمند است. انتظارات امنیتی نیز خود به دو دسته تقسیم می شود: الف) امنیت اجتماعی و ب) امنیت سیاسی. امنیت اجتماعی، وضعیتی است که فرد از زندگی و برقراری ارتباط با افراد، گروه ها، سازمان ها، نهادها و سایر ساخت های اجتماعی، احساس بلا تکلیفی و عدم اطمینان نداشته باشد(آقابخشی و افشاری، ۱۳۷۴: ۱۵۶ و ۳۱۹). بر این اساس، مهم ترین عنصر امنیت اجتماعی، «اعتماد اجتماعی» است که در این تحقیق بر آن تأکید شده است. اعتماد اجتماعی را نیز می توان این گونه تعریف کرد: حسن ظن فرد نسبت به اعضای جامعه، روابط، سازمان ها و نهادهای اجتماعی(امیرکافی، ۱۳۸۰: ۲۷). بر این اساس، اعتماد اجتماعی در این تحقیق، هم مشتمل بر

روابط چهره به چهره و بین فردی مانند رابطه با افراد خانواده، دوستان و خویشاوندان و . . . می‌گردد و هم مشتمل بر تعامل با واحدها، سازمان‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی. امنیت سیاسی نیز عبارت است از مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع از جانب حکومت و ساختار سیاسی به افراد جامعه (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۴). بر این اساس، امنیت سیاسی در این تحقیق، بدین صورت شاخص بندی می‌گردد: سوء و/یا عدم سوءاستفاده مقامات سیاسی از موقعیت خود؛ تعارض و/یا عدم تعارض در حرف و عمل مقامات سیاسی؛ توجه و/یا عدم توجه مقامات سیاسی به منافع ملی؛ و آزادی بیان عقاید و افکار.

هوشنگ ظهیری (۱۳۷۷) در تحقیقی با عنوان انتظارات فرزندان ۲۲-۱۳ ساله (شهر ساری) از پدر در صدد پاسخگویی به دو سؤال اساسی است: ۱- شناخت و توصیف دقیق انتظارات نوجوانان ۲۲-۱۳ ساله از پدر و ۲- عوامل مؤثر بر نوع و کم و کیف این انتظارات. شاخص «انتظارات» (متغیر وابسته)، در چهار بعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تعریف شده و نیازها، احساس محرومیت نسبی، میزان پذیرش اقتدار پدر، گروه همسالان و گروه مرجع به عنوان عوامل مؤثر (متغیرهای مستقل) بر انتظارات در نظر گرفته شد.

نتایج سوال اول (در چه زمینه‌ای از پدر انتظار دارید؟) حاکی از آن است که «۵۷ درصد ایجاد صمیمیت و ۲۶ درصد آزادی بیشتر را مطرح کرده‌اند. نتیجه این سؤال که در چه زمینه‌ای انتظار صحبت دارید؟»، ۴۸ درصد امور درسی و ۴ درصد چگونگی معاشرت و ۲۶ درصد مسائل سیاسی روز را عنوان کرده‌اند. نتیجه این سؤال که «در چه زمینه‌ای انتظار مشورت دارید؟»، ۴۰ درصد خرید لوازم منزل، ۳۰ درصد امور تحصیلی و ۲۴ درصد ازدواج را اعلام نموده‌اند. نتیجه این سؤال که «در چه مواردی نمی‌خواهید پدرتان دخالت نماید؟»، ۴۴ درصد رفت و آمد با دوستان و ۲۸ درصد انتخاب لباس را مطرح کرده‌اند. بیشتر افراد (۲۸ درصد)، انتظار اقتصادی شان برآورده شده است. بین دختران و پسران از نظر انتظار آزادی، مشورت و عدالت تفاوت معناداری وجود دارد. بین بیشتر متغیرهای مستقل با انتظارات رابطه وجود دارد. متغیرهای مستقل، ۶۶ درصد از انتظار آزادی پسران و ۴۷ درصد از انتظار آزادی دختران از پدر را تبیین می‌کنند. سخن آخر این که، شیوه‌های تربیتی پدر (حمایت، کنترل و

موجب سازی)، میزان پذیرش اقتدار پدر و انزوای فرزند از جایگاه پدر به عنوان دیگری مهم، بیشترین میزان انتظار از پدر را تبیین می کند.

زها داریاپور (۱۳۷۶) در تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر در انتظارات شغلی جوانان به این نتیجه رسیده است که حدود ۵۰ درصد از افراد مورد بررسی اش خواهان چند حرفه مشخص یعنی پزشکی، مهندسی، وکالت، روانشناسی و مشاوره بوده اند. وی سپس نتیجه می گیرد که این امر از یک سو بیانگر نقش رسانه های گروهی در ایجاد منزلت کاذب برای این مشاغل و از سوی دیگر نمایانگر فقدان مراکز مشاوره حرفه ای برای جوانان در سطح جامعه و مدارس است تا بتوانند آنها را با مشاغل مورد نیاز جامعه آشنا سازند. وی آن گاه می افزاید که اقبال جوانان نسبت به مشاغل فوق بیانگر تغییر در ساختار ارزشی جوانان و گسترش نگرش مادی در جامعه است

توماس جی. یگر و روترام - بوروس (۲۰۰۰) در تحقیقی تحت عنوان انتظارات اجتماعی در میان نوجوانان آمریکایی آفریقایی تبار، اسپانیایی تبار و اروپایی تبار انجام دادند، تفاوت های قومیتی، جنسیتی و رشدی موجود در انتظارات اجتماعی ۲۷۷ نفر از دانش آموزان دبیرستانی آمریکایی آفریقایی تبار، اسپانیایی تبار و اروپایی تبار را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنان پاسخ های دانش آموزان به ۱۶ تصویر ویدئویی از تماس های اجتماعی روزمره را به گونه ای دسته بندی کردند که مبین چهار حیطه «جهت گیری گروهی»، «ابراز وجود»، «جسارت» و «پرخاشگری» باشد. در هر یک از حیطه های مذکور، تفاوت های قومی معنی داری ملاحظه شد. پاسخ های مربوط به جهت گیری گروهی، به گونه معنی داری توسط دانش آموزان آمریکایی اسپانیایی تبار و اروپایی تبار داده شده بود؛ پاسخ های مربوط به ابراز وجود و پرخاشگری، به طور معنی داری در میان دانش آموزان آمریکایی آفریقایی تبار و اسپانیایی تبار، فراوانی بیش تری داشت؛ و پاسخ های مربوط به جسارت نیز در میان آمریکاییان اروپایی تبار، در مقایسه با آمریکاییان آفریقایی تبار، از فراوانی بیش تری برخوردار بود. نتیجه دیگری که از این تحقیق حاصل شد این بود که انتظارات اجتماعی پسران، کم تر به سمت جهت گیری گروهی و جسارت و بیش تر به سمت ابراز وجود و پرخاشگری گرایش دارد. انتظارات دختران در مورد خودنمایی، همراه با سطح تحصیل افزایش می یابد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان

داد که تفاوت های قومیتی و جنسیتی در میان جوانان از سنین متفاوت مشابه است. در نهایت، محققان، تفاوت های مشاهده شده را به منزله منابع بالقوه ستیزه میان قومیتی در میان دانش آموزان دبیرستانی قلمداد نمودند (یگر و رترام - بوروس، ۲۰۰۰: ۱۹-۱). به عقیده آنان، تضاد بین اقوام، مسئله ای مکرر در ایالات متحده آمریکا به ویژه در مدارس بوده است و از این رو تفاوت در انتظارات اجتماعی می تواند در ایجاد تضاد کمک کند یا آن را تعمیق بخشد. اما نظر جالب تر محققان با توجه به یافته های آنان این است که حتی ممکن است انتظارات متقابل یا مشابه نیز ضامن حل تضاد نباشد بلکه به ایجاد آن کمک کند.

نظریه ای که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، مشتمل بر مجموعه نظریه های مرتبطی است که تحت عنوان «نظریه شرایط انتظارات» شهرت یافته و افرادی چون جوزف برگر، حمید فیشک، موری وبستر، رابرت ز. نورمن و سیسیلیا ریجوی آن را ساخته و پرداخته اند. این نظریه، یکی از دقیق ترین و صریح ترین رهیافت هایی است که در نیمه دوم قرن بیستم در این زمینه تکوین و توسعه یافته است. در نظریه شرایط انتظارات، اعتقاد بر این است که «رفتار به لحاظ موقعیتی، وابسته به کنشگرانی است که می دانند از چارچوب های مرجع اجتماعی و فرهنگی موجود در موقعیت، چگونه در رفتار خود استفاده کنند. این چارچوب های مرجع، تأثیرشان را از طریق فهم افراد اعمال می کنند و آن چه مردم درباره موقعیت اعتقاد دارند یا انتظار دارند که درست باشد، می تواند بر فهم درست از واقعیت غالب شود. در این نظریه استدلال می شود که این عقاید و انتظارات، خود توسط فرایند کنش متقابل به وجود می آیند و حفظ می شوند» (ترنر، ۱۹۹۸: ۴۵۲).

نظریه شرایط انتظارات، علاوه بر موارد فوق روشن می سازد که شرایط انتظارات، دارای ماهیتی عموماً گهگاهی است به طوری که «فرایندها تحت شرایط مشخص و ویژه ای فعال شده، رفتار را سازمان دهی کرده و آن گاه با توقف درعمل تا زمان بعدی که شرایط برای فعالیت مجدد فرایندهای شرایط انتظارات آماده می شود غیرفعال باقی می ماند. حاصل آن که، افراد به طور مداوم به «بازنگری واقعیت» موقعیت های خود - که اغلب در برخی نظریه های کنش متقابل بدان توجه می شود - نمی پردازند. این نظریه، روشن می سازد که واقعیت های



اجتماعی، مطمئناً توسط افراد، مورد بازنگری قرار می گیرند ولی هنگامی که به وجود می آیند احتمالاً تا فراهم شدن مجدد شرایط کافی برای بازنگری، ثابت باقی می مانند» (همان: ۳-۴۵۲).

محوری ترین مفهوم در این نظریه، مفهوم *شرایط انتظارات* است. شرایط انتظارات، دلالت بر چشمداشت های پایدار از رفتار آتی یک کنشگر در ارتباط با کنشگر دیگر دارد. بنابراین، از یک شخص فقط انتظار نمی رود که کاری را به خودی خود، درست یا نادرست انجام دهد بلکه از وی انتظار می رود که بتواند آن کار را نسبت به فرد یا افراد دیگر بهتر یا بدتر انجام دهد. به علاوه، انتظارات، همواره هم معطوف به وظیفه اند و هم معطوف به شخص (همان: ۴۵۳).

به علت این که خود، موضوعی اجتماعی است، کنشگران می توانند انتظاراتی را در قبال دیگران از خودشان نیز داشته باشند؛ گرچه گزارش کنشگران از انتظارات شخصی، به اندازه گزارش شان از انتظارات از دیگران، تا حد زیادی به خطا و بدفهمی میل می کند. معهداً، افراد به گونه ای عمل می کنند که گویی با مجموعه انتظارات خاصی انطباق یافته اند» (همان: ۴۵۳).

شرایط انتظارات از منابع مختلفی پدید می آید، نظیر ارزیابی از انجام وظایف در طی یک کنش متقابل، تأمل در باب ارزیابی افراد شاخص، تخصیص پاداش های مادی یا نمادین، فعال شدن تفاوت های موجود در قدرت و پرستیژ افراد و نیز ارزیابی از عدالت و تساوی. این ها و دیگر منابع، اطلاعاتی را از محیط اجتماعی وسیع تر فراهم می کنند و هنگامی که افراد در باب وظیفه ای با یکدیگر تعامل می کنند این اطلاعات در موقعیت بی واسطه و نزدیک برجسته می شوند. شرایط انتظارات، آن گاه اطلاعات را به صورت تصویری منسجم یا تعریفی از موقعیت در آورده و سازمان می دهد. این تصویر، فرد را قادر می سازد رفتارهایی را برگزیند که برای آن موقعیت مناسب اند و از رفتارهای غیر آن اجتناب ورزد. به علت این که این رفتارها عموماً سازگار با تعاریف ارائه شده از موقعیت اند، بنابراین گرایش به تقویت انتظارات مستقر دارند و به طور کلی درهم شکستن این دور خود-ماندگار، مستلزم ورود اطلاعات جدید یا تغییر در موقعیت محلی است. این اندیشه های اصلی را می توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱- با فرض شرایط خاص، افراد، اطلاعات برجسته دریافتی از محیط اجتماعی را برای رفتار در موقعیت بی واسطه تعامل، به صورت انتظارات سازمان دهی می کنند. (برجستگی اطلاعات اجتماعی برای تشکیل انتظارات).



۲- افراد در موقعیت بی واسطه تعامل، مطابق با انتظارات شان رفتار می کنند. (الزامات رفتاری انتظارات).

۳- رفتار افراد در موقعیت بی واسطه تعامل، گرایش به تقویت انتظارات مستقر دارد. (تقویت انتظارات). (همان: ۴۵۳).

در هر حال، شرایط کافی برای فعال شدن فرایند سازمان دهی اطلاعات، همیشه موجود نیست. در نتیجه، رفتار می تواند در دوره های زمانی طولانی، نسبتاً ثابت باقی بماند و فقط هنگامی که شرایط جدید رخ می نماید تغییر کند. درحقیقت، افراد همیشه تعاریف خود را از موقعیت بازسازمان دهی یا بازنگری نمی کنند بلکه به طور کلی مطابق با تعاریف موجودشان رفتار می کنند. بازسازمان دهی و بازنگری، فقط در مواقع ضروری انجام می شود» (همان: ۴۵۳).

از دیدگاه این نظریه، هر کنشگری، متناسب با موقعیت خود، دارای منابع رفتاری و چارچوب های اجتماعی - فرهنگی مرجع است که انتظارات وی بر اساس آن ها تعیین می شود. برخی از متغیرهایی که می توان از مفاهیم این نظریه استخراج نمود و در این تحقیق به کار بست عبارت اند از: پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نوع روابط خانوادگی - که شیوه جامعه پذیری جوانان را محقق می سازد، قومیت و مهاجرت، جنس، سن، مرتبه شغلی، درآمد و بالاخره سطح تحصیلات. بنابراین، نظریه فوق، مدل مناسبی را جهت تبیین انتظارات اجتماعی جوانان فراهم می سازد. با توجه به نکات فوق، هدف کلی تحقیق حاضر این است که دریابد چه عوامل اقتصادی - اجتماعی ای بر انتظارات اجتماعی جامعه جوان شهر شیراز تأثیر می گذارد. اهداف جزئی این تحقیق را نیز می توان به شرح زیر عنوان نمود:

۱- انتظارات اجتماعی جامعه جوان شهر شیراز چیست؟

۲- اولویت بندی انتظارات اجتماعی جوانان شهر شیراز چگونه است؟

۳- بررسی و تجزیه و تحلیل انتظارات اجتماعی جوانان شهر شیراز و فهم این نکته که آیا بین هریک از عوامل اقتصادی - اجتماعی مانند سن، جنس، محل تولد، سطح تحصیلات جوانان، شیوه جامعه پذیری در خانواده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، میزان درآمد خانواده، سطح تحصیلات و مرتبه شغلی پدر و مادر با انتظارات اجتماعی آنان رابطه ای وجود دارد یا خیر و در هر دو صورت چرا؟

### • روش تحقیق

در این تحقیق، از روش کمی و تکنیک پیمایش استفاده شده است. ابزار مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات، «پرسشنامه» است که شامل پرسش های باز و بسته می شود. برای سنجش انتظارات اجتماعی نیز از «طیف لیکرت» استفاده شده است.

به منظور دستیابی به پایایی لازم، ابتدا پرسشنامه اولیه تدوین گردید و بر روی ۵۰ نفر از جامعه آماری، که به طور تصادفی از حوزه های مختلف شهر شیراز انتخاب شدند، پیش آزمون صورت گرفت. آن گاه، با استفاده از ضرایب «آلفای کرونباخ» و «تنصیف»، گویه های ناهمساز و نامتناسب از پرسشنامه حذف شدند. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای کلیه طیف ها، بالاتر از ۷۰ درصد و آلفای تنصیف بالاتر از ۸۰ درصد محاسبه شده است.

جامعه آماری ما جوانان ۱۸-۳۵ ساله ساکن شهر شیراز است. چون آمار دقیقی از تعداد جوانانی که در این فاصله سنی قرار دارند و ساکن شهر شیراز نیز باشند در دسترس نبود لذا از اطلاعات مربوط به شهرستان شیراز استفاده شد که بر اساس آمار صادره از مرکز آمار ایران، تعداد آنان طبق سرشماری سال ۱۳۷۵، ۳۳۴۲۱۹ نفر است. از این تعداد، ۱۶۹۵۳۹ نفر مرد و ۱۶۴۶۸۰ نفر زن بوده اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶: ۴).

در این تحقیق، شهر شیراز به شش منطقه همگن تقسیم شده است (مقدس، ۱۳۷۵: ۴۷). این مناطق به ترتیب از بالاترین تا پایین ترین منطقه اقتصادی - اجتماعی را شامل می گردد. از این مناطق شش گانه، حوزه ها و سپس خانوارهایی به طور تصادفی انتخاب شده و آن گاه یکی از افراد خانواده که در دامنه سنی ۱۸-۳۵ سال قرار داشت مورد مصاحبه قرار گرفت. ابتدا بین مناطق شش گانه شهر شیراز، تعدادی حوزه بر اساس نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و سپس تعداد نمونه لازم به صورت نمونه گیری تصادفی سیستماتیک از بین این حوزه ها برگزیده شدند. شیوه نمونه گیری در این تحقیق، «نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای» است. در تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده و با توجه به پذیرش خطای ۰/۵٪ و اطمینان ۹۵٪، ۴۰۰ نفر انتخاب شدند.

پس از گردآوری داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل صورت گرفت. به منظور آزمون فرضیه ها و تعیین سطح معنی داری، با توجه به ماهیت و سطح سنجش متغیرهای

مورد بررسی، روش های آماری نظیر رگرسیون، آزمون تی و تحلیل پراکنش مورد استفاده قرار گرفت.

• یافته ها

۱- توزیع فراوانی نوع انتظارات اجتماعی بر حسب اولویت بندی آن ها

جدول ۱) توزیع فراوانی نوع انتظارات اجتماعی بر حسب اولویت بندی آن ها

اولویت بندی انتظارات		پائین		متوسط		بالا		نوع انتظارات
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۹۷	۲۵/۹	۱۲۱	۳۳/۲	۱۵۷	۴۱/۹	۳۷۵	۱۰۰	مسائل اقتصادی
۱۲۹	۳۴/۴	۱۲۰	۳۲	۱۲۶	۳۳	۳۷۵	۱۰۰	مسائل سیاسی و امنیتی
۱۴۹	۳۹/۷	۱۳۴	۳۵/۷	۹۲	۲۴/۵	۳۷۵	۱۰۰	مسائل فرهنگی
۳۷۵	۱۰۰	۳۷۵	۱۰۰	۳۷۵	۱۰۰	۳۷۵	۱۰۰	کل

Missing = ۱۰

همان گونه که در جدول ۱، ملاحظه می شود، از کل ۳۷۵ نفر پاسخگو، به این سؤال که سه مسأله عمده «اقتصادی»، «سیاسی و امنیت عمومی» و «مسائل فرهنگی» را به ترتیب اهمیتی که برای شما دارد اولویت بندی کنید، بالاترین فراوانی متعلق به کسانی است که مسائل اقتصادی را به عنوان مهم ترین مسأله (۴۱/۹ درصد) و کم ترین فراوانی نیز متعلق به کسانی است که مسائل فرهنگی را به عنوان با اهمیت ترین مسأله کشور قلمداد نمودند (۲۴/۵ درصد).

نکته جالب توجه در این جدول، آن است که هر چه از مسائل اقتصادی به سمت مسائل سیاسی و امنیت عمومی و مسائل فرهنگی نزدیک تر می شویم از اولویت بندی انتظارات کاسته می شود. به عبارت دیگر، در مجموع کل اولویت بندی ها، مسائل اقتصادی در بالاترین اولویت، مسائل سیاسی و امنیت عمومی در اولویت دوم و مسائل فرهنگی در آخرین اولویت قرار دارند. این نکته می تواند مؤید این امر باشد که در بسیاری موارد، فرهنگ، ادامه غریزه است نه مقدم بر آن. در جامعه ای که افراد آن برای ادامه بقای خویش مجبور به رقابتی تنزاع آمیز و چالش گرانه با هم نوعان خود باشند، فرهنگ اولویت چندان مهمی به شمار نمی آید. فرهنگ، اخلاق و

هنر در شرایط اضطرار به دست فراموشی سپرده می شود و مسائل حادثتری چون مسائل اقتصادی و سیاسی - امنیتی که با صیانت فرد ارتباط مستقیم تری دارد اهمیت می یابد.

## ۲- توزیع فراوانی میزان برآورده شدن اولویت ها تاکنون و انتظار از میزان برآورده شدن آن ها در آینده

جدول ۲) میزان برآورده شدن اولویت ها تاکنون و انتظار از میزان برآورده شدن آن ها در آینده

انتظار از میزان برآورده شدن اولویت ها در آینده						میزان برآورده شدن اولویت ها تاکنون						میزان برآورده شدن اولویت ها	
کل	کاملاً	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	کل	کاملاً	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	تعداد	درصد
۳۸۲	۴	۵۴	۱۰۵	۱۵۲	۶۷	۸۲	۲	۲۷	۱۰۱	۱۸۲	۷۰	تعداد	اولویت اول
۱۰۰	۱	۱۴/۱	۲۷/۵	۳۹/۸	۱۷/۵	۰۰	۰/۵	۷	۲۶/۴	۴۷/۶	۱۸/۳	درصد	اولویت اول
۳۸۵	۳	۵۶	۱۰۰	۱۶۸	۵۸	۸۵	۱	۳۱	۱۱۱	۱۸۵	۵۷	تعداد	اولویت دوم
۱۰۰	۰/۸	۱۴/۶	۲۶	۴۳/۶	۱۵/۱	۰۰	۰/۳	۸/۱	۲۸/۸	۴۸/۱	۱۴/۸	درصد	اولویت دوم
۳۸۴	۶	۵۷	۹۸	۱۴۸	۷۵	۷۹	۴	۲۳	۱۰۲	۱۶۵	۸۵	تعداد	اولویت سوم
۱۰۰	۱/۶	۱۴/۹	۲۵/۵	۳۸/۶	۱۹/۵	۰۰	۱/۱	۶	۲۶/۹	۴۳/۶	۲۲/۴	درصد	اولویت سوم

جدول ۲، نشان دهنده میزان برآورده شدن اولویت ها در گذشته تاکنون و نیز انتظار از میزان برآورده شدن آن ها در آینده است. همان گونه که از ارقام جدول پیداست، بیشترین میزان فراوانی (۴۷/۶ درصد) در مورد برآورده شدن اولویت اول تاکنون، متعلق به کسانی است که اظهار کرده اند «کم» برآورده شده و کمترین (۰/۵ درصد) مربوط به افرادی است که اظهار کرده اند «کاملاً» برآورده شده است. در مورد انتظار از میزان برآورده شدن اولویت اول در آینده هم می توان گفت که بیشترین میزان فراوانی (۳۹/۸ درصد) مانند مورد قبل متعلق به افرادی است که اظهار کرده اند «کم» و کمترین (۱ درصد) متعلق به کسانی است که اظهار کرده اند «کاملاً» برآورده خواهد شد.

در مورد میزان برآورده شدن اولویت دوم تاکنون، بیشترین میزان فراوانی (۴۸/۱ درصد) مربوط به کسانی است که گفته اند «کم» و کمترین (۰/۳ درصد) متعلق به افرادی است که گفته اند «کاملاً» برآورده شده است. در مورد انتظار از میزان برآورده شدن اولویت دوم در آینده، بیشترین میزان فراوانی (۴۳/۶ درصد) باز هم متعلق به کسانی است که گفته اند «کم» و کمترین (۰/۸ درصد) متعلق به افرادی است که گفته اند «کاملاً» برآورده خواهد شد.

در مورد میزان برآورده شدن اولویت سوم تاکنون، بیشترین میزان فراوانی (۴۳/۶ درصد) مربوط به کسانی است که گفته اند «کم» و پائینترین (۱/۱ درصد) متعلق به افرادی است که گفته اند «کاملاً» برآورده شده است. در مورد انتظار از میزان برآورده شدن اولویت سوم در آینده، بیشترین میزان فراوانی (۳۸/۶ درصد) باز هم متعلق به کسانی است که اظهار کرده اند «کم» و کمترین (۱/۶ درصد) مربوط به افرادی است که اظهار کرده اند «کاملاً» برآورده خواهد شد.

### ۳- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با سن آن ها

پیش فرض ما وجود رابطه معکوس و معنا دار بین سن و انتظارات اجتماعی است، یعنی هر چه سن افزایش یابد انتظارات اجتماعی جوانان منفی تر می شود و بالعکس. جدول ۳ نشان می دهد که با توجه به مقدار  $R^2$ ، ۰/۰۰۹ درصد از تغییرات متغیر انتظارات اجتماعی توسط تغییرات در متغیر سن تعیین می شود. ضریب  $B$  نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر سن، به مقدار ۲/۲۷۱- از انتظارات اجتماعی کاسته می شود. با توجه به  $Beta$  که مقدار آن ۰/۰۹۳- است می توان گفت که رابطه، معکوس و موافق پیش فرض ماست و سطح معنی داری نیز که برابر با ۰/۰۵ است نشان می دهد که فرضیه ما در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید می شود.

## جدول ۳) همبستگی بین سن و انتظارات اجتماعی

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار t	سطح معنی داری
سن	۰/۰۹۳	۰/۰۰۹	۱/۲۴۶	-۲/۲۷۱	-۰/۰۹۳	-۱/۹۹۷	۰/۰۵

$$F = ۳/۹۹$$

$$\text{sig } F = ۰/۰۵$$

## ۴- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با جنس آن ها

جدول ۴ نشان می دهد که میانگین انتظارات اجتماعی مردان ۲۵۱/۸۹۴ و میانگین انتظارات اجتماعی زنان ۲۴۴/۱۸۸ است که با توجه به مقدار t یعنی ۰/۶۹۲ و سطح معنی داری ۰/۴۸۹ تفاوت مشاهده شده به لحاظ آماری معنی دار نیست گرچه بین میانگین انتظارات اجتماعی مردان و زنان تفاوت وجود دارد و میانگین مردان بیشتر از زنان است. (جدول ۴) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب جنس

جنس	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
مرد	۱۷۵	۲۵۱/۸۹۴	۱۰۷/۱۴۷	۰/۶۹۲	۰/۴۸۹
زن	۲۰۷	۲۴۴/۱۸۸	۱۰۹/۴۲۷		

## ۵- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با محل تولد آن ها

جدول ۵ نشان می دهد که محل تولد ۲۱۵ نفر از پاسخ گوینان، شیراز و مابقی (۱۶۷ نفر)، روستاها یا شهرهای دیگر است. میانگین انتظارات اجتماعی برای متولدین شیراز ۲۲۲/۱۹۳ و برای متولدین جاهای دیگر ۲۷۹/۴۴۶ است. با توجه به مقدار t که برابر با ۰/۳۱۰- است و سطح معناداری محاسبه شده که ۰/۰۰۰ است فرضیه ما در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد تأیید می شود.

جدول ۵) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب محل تولد

محل تولد	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
شیراز	۲۱۵	۲۲۲/۱۹۳	۱۰۱/۹۳۶	-۵/۳۱۰	۰/۰۰۰
جاهای دیگر	۱۶۷	۲۷۹/۴۴۶	۱۰۷/۷۷۹		

### ۶- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با شیوه جامعه پذیری در خانواده

پیش فرض ما این است که بین شیوه جامعه پذیری در خانواده و انتظارات اجتماعی رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد؛ یعنی هر چه شیوه جامعه پذیری در خانواده دموکراتیک تر باشد انتظارات اجتماعی مثبت تر و هر چه اقتدارگرایانه تر باشد انتظارات اجتماعی منفی تر خواهد بود. در جدول ۶، ضریب تعیین  $R^2$  نشان می دهد که ۰/۰۲۲ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر شیوه جامعه پذیری در خانواده تعیین می شود. ضریب B نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش در شیوه جامعه پذیری در خانواده به میزان ۴/۳۳۱ بر انتظارات اجتماعی افزوده می شود. با توجه به Beta که مقدار آن ۰/۱۴۸ است می توان گفت که رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته، مستقیم و مطابق با پیشفرض است و سطح معنی داری نیز که برابر با ۰/۰۰۴ است نشان می دهد که فرضیه ما در سطح اطمینان بیش از ۹۵ درصد تأیید می شود.

جدول ۶) همبستگی بین شیوه جامعه پذیری در خانواده و انتظارات اجتماعی

نام متغیر	R	$R^2$	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار t	سطح معنی داری
شیوه جامعه پذیری در خانواده	۰/۱۴۸	۰/۰۲۲	۱/۴۸۲	۴/۳۳۱	۰/۱۴۸	۲/۹۲	۰/۰۰۴

$$F = ۸/۵۲۹$$

$$\text{sig } F = ۰/۰۰۴$$

### ۷- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با میزان تحصیلات آن ها

جدول ۷، نشان می دهد که میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب سطوح مختلف تحصیلات شامل طبقات بی سواد، زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس و نیز فوق لیسانس به بالا به ترتیب عبارت است از ۱۶۹/۶، ۱۸۳/۷۸۶، ۲۴۲/۴۸۸، ۲۴۷/۷۳ و ۲۵۸/۰۳۱. با توجه به مقدار F



که برابر است با ۳/۶۶۹ و سطح معنی داری ۰/۰۲۱، تفاوت مشاهده شده بین میانگین ها در سطح اطمینان بیش از ۹۵ درصد به لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین، فرضیه ما تأیید می شود.

جدول ۷) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بی سواد	۵	۱۶۹/۶	۱۰۷/۷۵	۳/۶۶۹	۰/۰۲۱
زیردیپلم	۲۸	۱۸۳/۷۸۶	۱۰۷/۷۶		
دیپلم	۸۳	۲۴۲/۴۸۸	۱۰۷/۷۶		
فوق دیپلم و لیسانس	۲۲۰	۲۴۷/۷۳	۱۰۷/۷۶		
فوق لیسانس به بالا	۴۸	۲۵۸/۰۳۱	۱۰۷/۷۵		

#### ۸- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با میزان تحصیلات پدر

جدول ۸، نشان می دهد که میانگین انتظارات اجتماعی جوانان بر حسب سطوح مختلف تحصیلات پدر شامل طبقات بی سواد، زیردیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و نیز لیسانس به بالا به ترتیب عبارت است از ۱۹۵/۳۹۳، ۲۲۹/۸۴۲، ۲۳۷/۹۲۲ و ۲۴۷/۳۶۹. براساس این داده ها در می یابیم که بین میانگین ها تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی داری که برابر است با ۰/۰۰۰ و مقدار F که ۶/۲۲۸ محاسبه شده که رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنی دار است.

جدول ۸) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب میزان تحصیلات پدر

میزان تحصیلات پدر	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بی سواد	۷۰	۱۹۵/۳۹۳	۱۰۶/۰۵	۶/۲۲۸	۰/۰۰۰
زیردیپلم	۱۱۴	۲۲۹/۸۴۲	۱۰۶/۰۴		
دیپلم و فوق دیپلم	۱۵۳	۲۳۷/۹۲۲	۱۰۶/۰۴		
لیسانس به بالا	۴۲	۲۴۷/۳۶۹	۱۰۶/۰۴		

#### ۹- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با میزان تحصیلات مادر

جدول ۹، نشان می دهد که میانگین انتظارات اجتماعی جوانان بر حسب سطوح مختلف تحصیلات مادر شامل طبقات بی سواد، زیردیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و نیز لیسانس به بالا به

ترتیب عبارت است از ۱۹۴/۲۷۳، ۲۴۶/۰۶۵، ۲۴۹/۵۵۵ و ۲۸۲/۶۳۵. این ارقام نشان می دهند که بین میانگین ها تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و مقدار F که ۹/۷۵۲ محاسبه شده، رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنی دار است.

جدول ۹) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب میزان تحصیلات مادر

میزان تحصیلات مادر	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بی سواد	۲۲	۱۹۴/۲۷۳	۱۰۳/۱۹۸	۹/۷۵۲	۰/۰۰۰
زیردیپلم	۷۷	۲۴۶/۰۶۵	۱۰۳/۲		
دیپلم و فوق دیپلم	۱۵	۲۴۹/۵۵۵	۱۰۳/۱۹۸		
لیسانس به بالا	۴	۲۸۲/۶۳۵	۱۰۳/۱۹۷		
	۱۲				
	۲				

#### ۱۰- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده

پیش فرض تحقیق آن است که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و انتظارات اجتماعی جوانان رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد، یعنی هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتر باشد، انتظارات اجتماعی نیز مثبت تر خواهد بود و بالعکس. جدول ۱۰ نشان می دهد که با توجه به مقدار  $R^2$ ، ۰/۰۱۲ از تغییرات متغیر انتظارات اجتماعی به موجب تغییرات پایگاه اقتصادی - اجتماعی تعیین می شود. ضریب B نیز نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ۳/۱۴۸- از انتظارات اجتماعی کاسته می شود. با توجه به Beta که مقدار آن ۰/۱۰۸- است می توان گفت که رابطه، معکوس و خلاف پیش فرض ماست و سطح معنی داری نیز که برابر با ۰/۰۳۴ است نشان می دهد که فرضیه ما در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان تأیید شده است.

جدول ۱۰) همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و انتظارات اجتماعی

نام متغیر	R	R <sub>2</sub>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار t	سطح معنی داری
پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده	۰/۱۰۸	۰/۰۱۲	۱/۴۷	-۳/۱۴۸	-۰/۱۰۸	-۲/۱۲۹	۰/۰۳۴

$$F=۴/۵۳۵$$

$$\text{sig } F=۰/۰۳۴$$

### ۱۱- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با میزان درآمد خانواده

جدول ۱۱) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب میزان درآمد خانواده

میزان درآمد خانواده	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
۱-۱۰۰/۰۰۰	۵۹	۲۲۴	۱۰۸/۳۱۲	۲/۵۰۹	۰/۰۴۲
۱۰۰/۰۰۱ - ۲۰۰/۰۰۰	۱۱۱	۲۶۰/۳۳۸	۱۰۸/۳۱۷		
۲۰۰/۰۰۱ - ۳۰۰/۰۰۰	۵۴	۲۶۰/۳۶۱	۱۰۸/۳۰۹		
۳۰۰/۰۰۱ - ۴۰۰/۰۰۰	۴۵	۲۳۷/۱۶۷	۱۰۸/۳۱۱		
۴۰۰/۰۰۱ +	۴۱	۲۰۹/۷۵۶	۱۰۸/۳۱۵		

جدول ۱۱ نشان می دهد که میانگین انتظارات اجتماعی جوانان بر حسب طبقات مختلف درآمد خانواده شامل «۱-۱۰۰/۰۰۰»، «۲۰۰/۰۰۰ - ۳۰۰/۰۰۰»، «۱۰۰/۰۰۱ - ۲۰۰/۰۰۰»، «۳۰۰/۰۰۱ - ۴۰۰/۰۰۰» و «۴۰۰/۰۰۱» به ترتیب عبارت است از ۲۲۴، ۲۶۰/۳۳۸، ۲۶۰/۳۶۱، ۲۳۷/۱۶۷ و ۲۰۹/۷۵۶؛ بنابراین بین میانگین ها تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معناداری که برابر است با ۰/۰۴۲ و مقدار F که ۲/۵۰۹ محاسبه شده می توان گفت که رابطه بین میزان درآمد خانواده و انتظارات اجتماعی جوانان در سطح اطمینان بیش از ۹۵ درصد معنی دار است.

### ۱۲- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با مرتبه شغلی پدر

جدول (۱۲) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی جوانان بر حسب مرتبه شغلی پدر

مرتبه شغلی پدر	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
۲	۱۱	۲۸۰/۸۶۴	۱۰۳/۸۱۴	۳/۸۷۴	۰/۰۰۲
۳	۵۸	۲۴۱/۵۴۳	۱۰۳/۸۱۸		
۴	۱۲۶	۲۳۴/۷۹۸	۱۰۳/۸۲		
۵	۸۲	۲۸۴/۷۴۴	۱۰۳/۸۱۱		
۶	۵۹	۲۳۰/۸۹۰	۱۰۳/۸۱۸		
۷	۲۱	۲۰۱/۳۳۳	۱۰۳/۸۱۴		

جدول ۱۲، نشان می دهد که میانگین انتظارات اجتماعی جوانان بر حسب مراتب مختلف شغلی شامل مراتب ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ به ترتیب عبارت است از: ۲۸۰/۸۶۴، ۲۴۱/۵۴۳، ۲۳۴/۷۹۸، ۲۸۴/۷۴۴، ۲۳۰/۸۹۰ و ۲۰۱/۳۳۳؛ بنابراین بین میانگین ها تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۲ و مقدار F که ۳/۸۷۴ محاسبه شده می توان گفت که رابطه بین مرتبه شغلی پدر و انتظارات اجتماعی جوانان در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است.

### ۱۳- رابطه انتظارات اجتماعی جوانان با مرتبه شغلی مادر

جدول (۱۳) آزمون تفاوت میانگین انتظارات اجتماعی بر حسب مرتبه شغلی مادر

مرتبه شغلی مادر	فراوانی	میانگین انتظارات اجتماعی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
خانه دار	۲۶۹	۲۴۸/۵۰۴	۱۰۷/۳۹۵	۱/۹۷۹	۰/۱۱۷
۴	۳۵	۲۶۴/۱	۱۰۷/۴		
۵	۳۲	۲۵۷/۹۸۴	۱۰۷/۴		
۶	۳۹	۲۰۹/۸۵۹	۱۰۷/۴		

جدول ۱۳، نشان می دهد که میانگین انتظارات اجتماعی جوانان بر حسب مراتب مختلف شغلی شامل مراتب خانه دار، ۴، ۵ و ۶ به ترتیب عبارت است از ۲۴۸/۵۰۴، ۲۶۴/۱، ۲۵۷/۹۸۴، ۲۰۹/۸۵۹. اما با توجه به مقدار F بدست آمده که برابر است با ۱/۹۷۹ و سطح معناداری ۰/۱۱۷ تفاوت مشاهده شده بین میانگین ها به لحاظ آماری معنی دار نیست. بنابراین، فرضیه ما مبنی بر برابری میانگین ها رد می شود.

### • بحث و نتیجه گیری

انتظارات اجتماعی، تقریباً یکی از جدیدترین مباحث در تحقیقات جامعه شناختی است و گرچه معدودی از جامعه شناسان بدان پرداخته اند، با این حال در دو دهه اخیر رشد و گسترش چشمگیری داشته و چون امری «ذهنی - عینی» به شمار می رود لذا محل بحث و مناظرات تئوریکی فراوان قرار گرفته است. ذهنی بودن این پدیده، دلالت بر واحد خرد تحلیل اجتماعی (کنشگر، عامل) دارد و عینی بودن آن نیز می تواند مؤید واحد کلان تحلیل اجتماعی (ساختار) باشد. بنابراین، انتظارات اجتماعی، محل تلاقی و اتصال یکی از جدیدترین و پیچیده ترین مجادلات تئوریکی - یعنی جدال بین سطوح خرد و کلان - در جامعه شناسی معاصر است.

در این تحقیق، تلاش شده که بر هر دو بعد موجود در انتظارات اجتماعی یعنی هم بعد ذهنی و هم بعد عینی توجه شود، از این رو عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر انتظارات اجتماعی جوانان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

از بین متغیرهایی که به روش رگرسیون تجزیه و تحلیل شد متغیر «شیوه جامعه پذیری در خانواده» با انتظارات اجتماعی رابطه مستقیم داشته است، یعنی هر چه شیوه جامعه پذیری در خانواده به سمت جامعه پذیری دموکراتیک میل می کند انتظارات اجتماعی مثبت تر می شود. این رابطه می تواند بدین دلیل باشد که جوانانی که در خانواده های دموکراتیک پرورش می یابند دارای اعتماد به نفس و خویشتن شناسی بیش تری هستند و همین امر موجب می شود که توان بیشتری را جهت تغییر محیط پیرامون در خود و اطرافیان خود ببینند. مضاف بر آن، تربیت خانوادگی دموکراتیک، برعکس تربیت اقتدارگرایانه، امید بیش تری را نسبت به آینده در فرد به وجود می آورد و باعث می شود انتظارات وی خوشبینانه و مثبت گردد. به بیان دیگر، جوانان دارای تربیت دموکراتیک، در فعالیت های اجتماعی روزمره خود توانا تر و کامیاب ترند و بر اساس انبوه مطالعات جامعه شناختی و روانشناختی ثابت شده است که افراد توانا و موفق، دارای خوشبینی و امید به آینده بیشتری هستند تا افرادی که مدام احساس ناتوانی و شکست می کنند.

گذار از شیوه جامعه پذیری اقتدارگرایانه - که در ادبیات جامعه شناسی پاتریمونیالیسم خوانده می شود - به جامعه پذیری دموکراتیک - که خاص دوران جدید است - چندی است

در جامعه ایرانی پدید آمده اما هنوز عناصر پاتریمونیالیستی جزء ویژگی ساختار قدرت در خانواده ایرانی محسوب می شود. بنابراین، پاتریمونیالیسم سنتی به عنوان یک گفتمان، طبعاً امکانات بسیار محدودی را برای شکل گیری فردیت و کردارهای سیاسی فردی و آزادی عمل و اندیشه فراهم می کند و در عوض، فضای ساختاری لازم را برای اطاعت پذیری، فرصت طلبی، اقتدارگرایی، انفعال سیاسی، اعتراض خاموش، ترس گسترده و بدبینی و بی اعتمادی سیاسی - اجتماعی پدید می آورد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶ - ۲۵). در چنین فضایی، جوان پس از بلوغ نه تنها نمی تواند نقشی مؤثر در تغییر روابط و مناسبات اجتماعی بر عهده گیرد، بلکه خود نیز می تواند به یکی از عاملان بقاء و باز تولید همان روابط و مناسبات و انتقال آن به نسل بعدی تبدیل شود (درویش پور، ۱۳۷۴: ۱۱۶) و درست همان گونه که انتظارات وی از خود منفی و بدبینانه است این انتظارات منفی و بدبینانه به سایر افراد و ساختارهای اجتماعی نیز فرا افکنده می شود.

از بین متغیرهای مستقل این تحقیق، «سن» با انتظارات اجتماعی رابطه معکوس داشته است یعنی هر چه بر سن جوان افزوده می شود انتظارات اجتماعی وی منفی تر می شود. از آنجایی که «سنین متفاوت، توأم با مراحل رشدی (فیزیولوژیکی، روانشناختی و اجتماعی) و توانایی های متفاوتی است» (مونی و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۴۳) لذا وجود این رابطه کاملاً قابل فهم است. جوان به لحاظ فیزیولوژیکی و روانی سرشار از نیروهای حیات بخش و تغییر دهنده است. پویایی فرد جوان همواره وی را مستعد ایجاد تغییر و دگرگونی در محیط اطراف و امید به آینده نیز انتظارات وی را مثبت و خوشبینانه می کند. سن، نقش ها و انتظارات از رفتار خود و دیگران را نیز تعیین می کند (همان: ۱۴۳). هر چه بر سن افزوده می شود فرد بیش تر درگیر معضلات و مسائل زندگی روزمره شده، خود را در مقابله با این مسائل ناتوان تر احساس می کند. افزایش سن، احتمال ازدواج فرد را نیز افزایش می دهد و همین امر بر درگیری وی در امور طاقت فرسای زندگی می افزاید. جامعه ای که ما در آن زندگی می کنیم سرکوبگر امیال و آرزوهای اعضای خویش است و بدیهی است که با افزایش سن، امیال و آرزوهای سرکوفته متراکم تر شده و در نتیجه، انتظارات بدبینانه و منفی افزایش می یابد. همین نتیجه، در مورد متغیر مستقل «وضعیت تأهل» نیز بدست آمده بدین معنی که انتظارات اجتماعی افراد مجرد مثبت تر از افراد

متأهل بوده است. بنابراین، نتایج حاصله یکدیگر را تأیید کرده و احتمال صحت تبیین فوق بسیار است.

از میان متغیرهای مستقلی که با روش آزمون تی مورد تحلیل قرار گرفت متغیر «محل تولد» است که نتایج حاصله از میانگین‌ها نشان می‌دهد انتظارات اجتماعی جوانان مهاجر بیش‌تر از بومی‌هاست. این امر شاید بدین علت باشد که افراد معمولاً هنگامی دست به مهاجرت می‌زنند که از زندگی در محل اقامت فعلی خود به نوعی ناخرسنداند و به منظور دستیابی به امکانات بهتر زندگی، محل دیگری را انتخاب می‌کنند که احتمال بهبود وضعیت آن‌ها را در پی داشته باشد (مارشال، ۱۹۹۸: ۴۱۵). حال، در مورد افراد نمونه این تحقیق می‌توان گفت که احتمالاً آنان به شرایط نسبتاً مطلوبی دست یافته‌اند و در خود توان رسیدن به شرایط مطلوب‌تر را نیز احساس می‌کنند، لذا انتظارات اجتماعی آنان مثبت‌تر و خوشبینانه‌تر است. اما جوانان بومی شهر شیراز به علت زندگی در یک محیط شهری از ابتدای تولد تاکنون، اوضاع برای‌شان یکنواخت و عادی شده و طبق نظریه توقعات فزاینده، توقع آن‌ها رو به فزونی است و از وضعیت کنونی ناخرسنداند. همین امر موجب شده است که انتظارات اجتماعی آنان به سمت منفی میل کند.

از میان متغیرهای مستقلی که با روش تحلیل پراکنش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، نتایج حاصله از بررسی متغیرهای «میزان تحصیلات جوان»، «میزان تحصیلات پدر» و «میزان تحصیلات مادر» حاکی از آن است که در هر سه فرضیه، به موازات افزایش سواد، میانگین انتظارات اجتماعی جوانان نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه، با توجه به چارچوب نظری تحقیق قابل فهم است. افزایش سواد موجب افزایش آگاهی و افزایش آگاهی نیز دستکاری و ایجاد تغییر در واقعیت را سهل‌تر می‌سازد. فرد هر چه آگاه‌تر باشد نسبت به واقعیت‌های پیرامون خود حساس‌تر می‌شود و واکنش بیش‌تری نشان می‌دهد بنابراین، انتظارات اجتماعی وی نیز به سمت مثبت طیف میل می‌کند. نکته جالب در این تحقیق این است که متغیر میزان تحصیلات مادر، قوی‌ترین رابطه را با متغیر وابسته تحقیق یعنی انتظارات اجتماعی داشته است و این خود، اهمیت تحصیلات مادران را در امر آموزش و پرورش فرزندان نشان می‌دهد. طبق بسیاری از تحقیقات انجام شده، «هویت فرهنگی و ارزش‌های خانوادگی، بیش‌تر توسط زنان از نسلی به



نسل دیگر منتقل می شود» (رائو و دیگران، ۲۰۰۱: ۱) و زنان تحصیلکرده نیز توانایی بیش تری در انتقال ارزش های جدید اجتماعی و فرهنگی به فرزندان خود دارند. این نتیجه، این گزین گوینه را به یاد می آورد که «آموزش یک پسر آموزش یک فرد است و آموزش یک دختر، آموزش چندین نسل» (همان: ۷).

از دیگر متغیرهای مستقل این تحقیق، «پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده»، با انتظارات اجتماعی رابطه معکوس داشته است، یعنی هر چه پایگاه فرد بالاتر باشد انتظارات اجتماعی وی منفی تر می شود. این نتیجه شاید بدین دلیل باشد که سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی در جامعه کنونی ایران کاری تقریباً محال است. شاخص هایی که در این تحقیق جهت سنجش این متغیر به کار بسته شد عبارت اند از: مرتبه شغلی پدر، مرتبه شغلی مادر، میزان درآمد خانواده پدری، میزان تحصیلات پدر و میزان تحصیلات مادر. در مورد درآمد و نوع شغل - همان گونه که می دانیم - در جامعه ایرانی نوعی پنهان کاری وجود دارد و افراد تمایلی به بیان کردن آن ندارند. نکته دیگر در مورد درآمد این است که چون بسیاری از افراد نمونه این تحقیق، متأهل بوده اند لذا به یاد آوردن دقیق و یا حتا دانستن آن برای شان مقدور نبوده است. بنابراین، احتمال می رود که داده های بدست آمده در مورد درآمد خانواده پدری چندان درست و موافق با واقع نباشد.

نکته دیگر در مورد دشواری سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی در ایران این است که قاعدتاً باید بین درآمد، تحصیلات و مرتبه شغلی ارتباط و پیوستگی وجود داشته باشد ولی در نظام حرفه ای و اداری ایران، بین این سه عامل ارتباط چندانی وجود ندارد. نه درآمد افراد مطابق با میزان تحصیلات آنان افزایش می یابد و نه مرتبه شغلی آنان موافق با سطح تحصیلات آن هاست. از سوی دیگر، ساختار مردسالارانه جامعه ایران، اجازه دستیابی به مراتب شغلی بالا را به زنانی که قانوناً و رسماً شایسته ارتقاء شغلی هستند نمی دهد. لذا زنانی که علیرغم مثلاً تحصیلات بالا دارای مرتبه شغلی و درآمد پائین اند چندان به مراتب شغلی بالاتر صعود نمی کنند.

مجموعه عوامل فوق سبب شده که جمع شاخص های فوق جهت ایجاد یک متغیرکلی تر تحت عنوان پایگاه اقتصادی - اجتماعی دشوار شود. بنابراین، احتمال می رود که معکوس بودن رابطه، واقعی نبوده و خطای سنجش باعث ایجاد آن شده باشد.

نتیجه به دست آمده از آزمون «میزان درآمد خانواده» گویای آن است که انتظارات اجتماعی در میان جوانانی که در آمد خانواده آن ها ماهیانه بین ۱۰۰/۰۰۱ تا ۴۰۰/۰۰۰ تومان است از همه بیش تر است. اگر مجاز باشیم که این دامنه درآمد را به صورت جداگانه، یکی از شاخص های طبقه اجتماعی بدانیم می توانیم بگوئیم کسانی که در طبقه متوسط جامعه می گنجد بیش تر پتانسیل آینده گرایی دارند تا کسانی که در طبقات بسیار پائین و/ یا بسیار بالا قراردارند. افراد طبقات پائین دچار سرخوردگی های خاص خویش و افراد طبقات بالا نیز دچار محافظه کاری ها و حداقل مطلوب بینی های خاص خویش اند؛ لذا طبیعی است که انتظارات اجتماعی طبقه متوسط از همه مثبت تر باشد.

نکته قابل ذکر این است که همین متغیر میزان درآمد خانواده، هنگامی که به صورت خام و به روش رگرسیون آزمون شد، هیچ رابطه معنی داری با انتظارات اجتماعی نداشت. بنا به دلایل پیش گفته در مورد پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نیز بدین دلیل که شکل طبقه بندی شده درآمد، احتمال قراردادن افراد نزدیک به هم را در یک طبقه، بیش تر فراهم می کند و بنابراین خطای سنجش را کاهش می دهد، لذا از روش تحلیل پراکنش استفاده و رابطه مذکور معنی دار شد.

نتایج حاصله از بررسی رابطه متغیر مستقل «مرتبه شغلی پدر» با انتظارات اجتماعی نیز نشان دهنده اختلاف میانگین های انتظارات اجتماعی جوانانی بود که پدران شان دارای مراتب شغلی مختلف بودند. اختلاف این میانگین ها گویای مطلب دیگری نیز هست و آن این که تقریباً بالاترین میانگین ها، اختصاص به جوانانی دارد که پدران شان در مراتب شغلی متوسط بودند یعنی انتظارات اجتماعی آنان مثبت تر از جوانانی بود که پدران شان در مراتب شغلی بسیار پائین یا بسیار بالا قرار داشتند. اهمیت این نکته هنگامی مشخص تر می گردد که آن را با نتیجه به دست آمده از متغیر «میزان درآمد خانواده» مقایسه کنیم. این مقایسه، گویای آن است که باز هم انتظارات اجتماعی جوانانی که در طبقه متوسط جامعه قرار دارند از طبقات پائین و بالای جامعه مثبت تر است. همین نتیجه در مورد متغیر «مرتبه شغلی مادر» نیز صادق است. سطح معنی

داری محاسبه شده این متغیر گرچه قابل تعمیم به جامعه آماری مورد مطالعه نیست ولی اختلاف میانگین ها در میان مراتب شغلی افراد نمونه قابل ملاحظه است. در این مورد نیز انتظارات اجتماعی جوانانی که مادران شان در مراتب شغلی متوسط قرار دارند از دیگران بیشتر است. ولی در باب تعمیم پذیر نبودن نتیجه حاصله از این متغیر به جامعه آماری، می توان گفت که جامعه ایرانی اجازه تحصیل تقریباً نامحدود را به زنان می دهد ولی به دلیل ساختار مردسالارانه نظام اداری و شغلی از ارتقای آنان به مراتب شغلی بالاتر که هماهنگ با میزان تحصیلات و سایر شایستگی های آنان باشد ناتوان است. این مسئله، اکنون یکی از تناقضات جامعه در حال گذار ایران بشمار می رود.

که در جوانان و نیازهای آنان پدیدار می شود. در حقیقت، درک و اعتنا به این نیازهای متغیر، نشانه درک و تشخیص درست جامعه است. آن چه که در بخش اعظم یافته های این تحقیق به چشم می خورد حاکی از بی توجهی مسئولین به این نیازهاست. بر اساس این یافته ها، انتظارات اجتماعی بسیاری از جوانان منفی است که نشان از یک بحران اجتماعی دارد. شیخ یأس و سرخوردگی بر ذهن و روح جوان پنجه در افکنده و این زنگ خطری است که اگر شنیده نشود ممکن است به فاجعه ای دهشتناک بینجامد.



#### منابع

۱. آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۲. امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن». نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۱). دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی در ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
۴. بوزان، باری (۱۳۷۹). «آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم.
۵. داریاپور، زهرا (۱۳۷۸). «بررسی عوامل مؤثر در انتظارات شغلی جوانان». فصلنامه علمی - پژوهشی دانشور، شماره ۲۵.

۶. درویش پور، مهرداد(۱۳۷۴). «خانواده و فرهنگ دموکراتیک»، نگاه نو، شماره ۲۴.
۷. ساروخانی، باقر(۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۸. شهابی، محمود(۱۳۸۰). «خرده فرهنگهای ویژه جوانان در ایران: قرائت ها و پیامدها»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۴.
۹. ظهیری، هوشنگ(۱۳۷۷). «انتظارات فرزندان ۲۲-۱۳ ساله (شهر ساری) از پدر»، پایان نامه کارشناسی ارشد(پژوهشگری اجتماعی) دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. کمالی، افسانه(۱۳۸۰). «بررسی ماهیت، ابعاد و چگونگی شکل گیری مسئله جوانان»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۴.
۱۱. گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب(۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه محمدجواد زاهدی مازندرانی و دیگران. تهران: انتشارات مازیار.
۱۲. مرکز آمار ایران(۱۳۷۶). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، استان فارس، شیراز. تهران: مرکز آمار ایران.
۱۳. مقدس، علی اصغر(۱۳۷۴). «منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران: مورد مطالعه شهر شیراز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دهم(۲)، صص ۹۴-۷۵.
14. Marshall,Gordon(1998). *Oxford Dictionary of Sociology*. Great Britain: Oxford University Press.
15. Mooney,Linda.A,et.all(2000).*Understanding Social Problems*. NewYork: Wadsworth Publishing Company.
16. Neuman,W. Lawrence(1997). *Social Research Methods*. NewYork: Viacom company.
17. Newman,David.M(1999). *Sociology of Families*. Washington D.C.: Pine Forge Press.
18. Oettingen,Gabriele & Doris Mayer(2002).*The Motivating Function of Thinking About the Future: Expectations Versus Fantasis* "[http://weblinks2.epnet.com/citation.asp?tb=0&\\_ug=1n+en%2Dus+sid+03327FBE%2...](http://weblinks2.epnet.com/citation.asp?tb=0&_ug=1n+en%2Dus+sid+03327FBE%2...) .
19. Rao,D.B,et.all(2001). *Women as Educators*. India, New Delhi: Discovery Publishing House.
20. Turner,Jonathan.H(1998). *The Structur of Sociological Theory*. New York: Wadsworth Publishing Company.
21. Yager,Thomas.J,et.all(2000). "Social Expectations Among African American, Hispanic and European American Adolescents", [http://Search.epnet.com/EBSCOhost2\\_files\\_fulltext.htm](http://Search.epnet.com/EBSCOhost2_files_fulltext.htm).